

«اتفاق ساده»

آموختنی‌ها

۱. مهارت خواندن شعر با رعایت لحن

۲. گسترش گروه‌های درجده



جعبه‌ی کلمات

کلمات مترادف

سراسیمه: پریشان، شتابان	حومه: اطراف.....	شوق: شور و نشاط
بالین: متکا، بالای سر	مختصر: کوتاه	سطر: خط..... از برف
صمیمی: یکدل، همدل	پاسبانی: نگهبانی، پاسداری، مراقبت	شب‌نم: راه.....
سرایت‌کند: منتقل‌کند	بی‌صدا: ساکت	اتفاق: رویداد
مختصر: کوتاه	منظور: مقصود، هدف	غلتید: غلت.....
اسرار: جمع سر: رازها	بدجنس: ناپاک	لاشه: جسد
احضار: حاضر کردن، فراخواندن	رؤیایی: خیالی	حسرت: اندوه.....
		دلخوشی: آن‌چه باعث خوشحالی می‌گردد.

کلمات متضاد

مختصر ≠ طولانی	آخر ≠ اول	جنوب ≠ شمال
ساده ≠ مشکل	بهشت ≠ جهنم	راضی ≠ ناراضی
مهربان ≠ نامهربان	زنده ≠ مرده	باوفا ≠ بی‌وفا

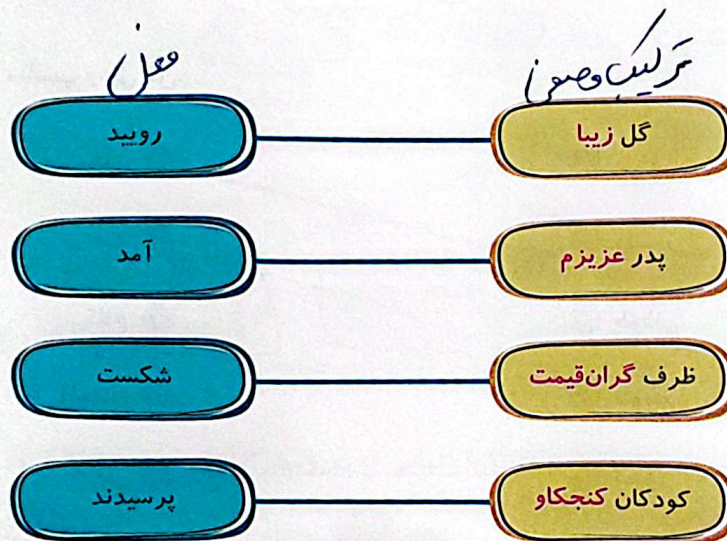
کلمات هم‌خانواده

تولد، ولادت، متولد	حفظ، حافظ، محفوظ	حضرت، حضور، حاضر	مثل، مثال، امثال
وضع، اوضاع	انتخاب، منتخب	دوران، دوره	شوق، اشتیاق، مشوق

داستان این درس دلتنگی‌ها و انتظارهای فرزندان و همسران رزمندگان روزهای جنگ است که دلخوش به نامه‌هایشان و در انتظار آمدنشان هستند که این قلب‌های منتظر همواره چشم به راه بازگشت دلیرانه و پیروزمندانه این قهرمانان تاریخ ایران بوده است.

بخوان و بدان

شب در خانه، درنا به مادر کمک می‌کرد تا غذا را آماده کند. مادر نگاه مهربانی به درنا انداخت و ظرف غذا را به دستش داد و گفت: «آفرین دختر خوب! حالا بیا این آش خوشمزه را پیش پدر و برادرت ببریم و با هم بخوریم.» درنا: «مامان! می‌دانستید که کلمه‌ی «خوب» که به دختر اضافه شده و «خوشمزه» که به آش اضافه شده، درباره‌ی اسم قبل خودشون حرف می‌زنند و یکی از ویژگی‌ها و مشخصات آن‌ها را بیان می‌کنند؟» پدر: خوب! معلوم است که «یکی از خصوصیات دختر من، خوب بودن اوست و ویژگی آش مامان، خوشمزه بودن!» بعد همگی خندیدند و آش را خوردند. به نمودارهای زیر توجه کن.



★ فعل، که اصلی‌ترین بخش جمله است، همیشه سمت چپ نمودار قرار می‌گیرد.

★ واژه‌های «زیبا، عزیز، گران قیمت، کنجکاو» که همگی درباره‌ی اسم قبل خود توضیح می‌دهند «صفت» هستند که با کسره (ـِ)، به کلمه‌ی قبل خود اضافه می‌شوند.

لغوی

املا دان

پیدا کردن عبارات و کلمات با توجه به نشانه‌های خواسته شده املا را تقویت می‌کند.

الف: کلمه‌ها را از درس پیدا کرده و جدول را کامل کن.

س	ن	ل	ر	ا	ت	ن	ا	ق
غ	ل	ت	ی	د	ق	م	ر	ه
س	ط	ر						

ب: شعر «اتفاق ساده» را بخوان و ۵ تا از کلمه‌هایی که دارای ۵ نقطه هستند را پیدا کن و بنویس.

همیشه

مشت

می‌مشت



علیه

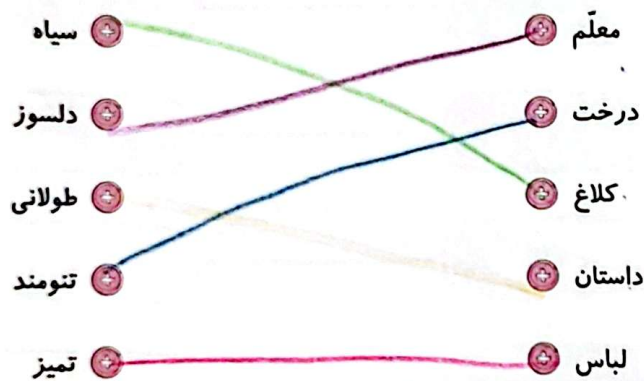
نشینم

شوق

اتفاق

تمرین

۱ هر کلمه را به صفت مناسب وصل کن.



۲ درستی ☒ و نادرستی ☒ جملات زیر را مشخص کرده و در صورت نادرستی، درست آن‌ها را بنویس.

الف: شعر «اتفاق ساده» از نادر ابراهیمی است. ☒

ب: در عبارت «باران پشت شیشه آمد به خانه ما، جان‌بخشی وجود دارد.» ☒

پ: هنگام خواندن نامه باران می‌بارید. ☒

ت: در ترکیب «اتفاق ساده»، «ساده» صفت است. ☒



۳ با توجه به درس، با هر گروه از حروف به هم ریخته، یک کلمه بساز.

ش ر د خ ی د

چ ن م اش

ش ت ای قا

درخت

چشم

استان



۴ یک بار از روی جمله‌ها بخوان و نمودار آن‌ها را رسم کن.

سرباز شجاع جنگید

الف: سرباز شجاع جنگید.

آموزگار مهربان خندید

ب: آموزگار مهربان خندید.

حلزون کوچک رفت

پ: حلزون کوچک رفت.

۵ چهار فعل از شعر «اتفاق ساده» پیدا کن و بنویس.

می‌نوشتیم

می‌شت

خواند

ماند



۶ با دیدن هر کلمه به یاد چه چیزهایی می‌افتی؟ با کلماتی که در وسط گلابرگ‌ها هستند یک بند دو سطر بنویس.

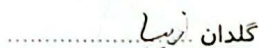
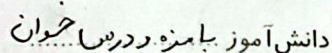
پدر

سنگر

باران

بررسی باران می‌باید. هوا بسیار سرد بود. خیلی دشت پر بود از بچه‌ها. دریا بهشت بود. بودیم آفتاب. او به جنگل رفته بود.
برای باران، فلان بچه داشت. طرب می‌شد. که مادر من با او می‌رفت. آید و با من می‌برد. او را خواند. او را می‌بیند. سنگر
می‌گفت. و این‌ها خیلی بود. فلان می‌باید.





۱۱. اگر تالش در آذر با بیاخ رنانه بی را امش در نانه ی مجارو انسان گشت است.



4



با توجه به سؤالات داده شده، پاسخ مناسب را انتخاب کن.

الف: کلمات قافیه در بیت زیر کدام‌اند؟

«یک قطره شبنم از گل بر روی برگ غلتید / یک قطره روی شیشه مثل تگرگ غلتید»

(۱) شیشه، شبنم (۲) برگ، قطره (۳) غلتید، غلتید (۴) برگ، تگرگ

ب: کدام یک از گزینه‌های دیگر، «صفت و موصوف، هستند؟

(۱) چشم مادر (۲) روی دختر (۳) چشمان مهربان (۴) پشت شیشه

پ: حضرت عیسی (ع) پس از پرسش و پاسخ درباره‌ی سگ و لاشه‌ی مرده آن، چه پیامی به یاران خود داد؟

(۱) او ناپاک است و نباید به آن دست زد.

(۲) همه‌ی این‌ها خواست خداوند است.

(۳) با هر چه روبه‌رو می‌شوید نباید فقط بدی‌ها و زشتی‌ها را ببینید.

(۴) این سگ تا زنده بود، برای صاحبش حیوان باوفایی بود.

ت: در بیت زیر علت آرام و بی صدا ماندن باران چیست؟

«وقتی که نام‌ات را مادر برای ما خواند باران پشت شیشه آرام و بی صدا ماند»

(۱) علت این است که بارش باران تمام شده است.

(۲) تمام نشده بود فقط صدایش قطع شده بود.

(۳) باران هم می‌خواسته خبر نامه را بشنود.

(۴) چون حواس همه متوجه نامه بود صدای باران را نمی‌شنیدند.





بزرگی گفته است: «اگر تیر در شکم مردم رود، آن را می‌توان معالجه کرد، اما آزاری که از گفتار کسی در دل نشیند، هرگز فراموش نشود.»

گویند: هیزم شکنی در جنگل با شیری آشنا شد. روزی شیر مشغول خوردن غذا بود که هیزم شکن به شیر گفت: «دوست عزیز! همه چیز خوب است جز یک چیز و آن غذا خوردن توست که بسیار زشت غذا می‌خوری!» شیر اندوهگین شد و به هیزم شکن گفت: «با تیر محکم بر سر من بزن.» هیزم شکن گفت: «چرا؟» گفت: «اگر زنی، تو را خواهم کشت.»

او ناچار تیر را بر سر شیر زد. خون جاری شد و شیر زوزه کشان در میان درختان ناپدید شد. پس از ماه‌ها که از این ماجرا گذشت، شیر روزی پیش هیزم شکن آمد و او به سر شیر نگاه کرد و گفت: «دوست عزیز! خدا را شکر که زخم سرت خوب شده است.»

شیر گفت: «آری همان‌طور که می‌بینی، از زخم تیر اثری نیست اما اثر زخم زبانت هنوز در قلب من هست.» از آن به بعد این مثل معروف شد که ...

الف: هیزم شکن چه ایرادی بر شیر گرفت؟

ایراد زشت غذا خوردن.

ب: چرا شیر گفت با تیر محکم بر سر من بزن؟

زیرا می‌خواست به هیزم شکن نشان دهد این زخم تیرت که به دل می‌خورد، بی‌مانند زخم زبان توست.

پ: به نظر تو زخم زبان بدتر است یا زخم شمشیر؟ چرا؟

زخم زبان چون زخم شمشیر برای تیران معالجه‌پذیر است اما زخم زبانی همیشه در قلب آدم هست.

ت: این داستان تو را به یاد کدام ضرب‌المثل می‌اندازد؟

زخم زبانی بدتر از زخم شمشیر است.

